



ارزیابی کیفیت برنامه درسی دوره کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی آموزشی از نظر دانشجویان در دانشگاه تهران

داریوش مالک پور لپری (دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه تهران)

DariushMalekpor@ut.ac.ir

حسین عبد الهی (عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)

hosein_abd@hotmail.com

چکیده:

هدف اصلی این پژوهش، ارزیابی کیفیت برنامه درسی دوره کارشناسی ارشد برنامه ریزی آموزشی، از دیدگاه دانشجویان می باشد. روش پژوهش از نوع پژوهش های کیفی است. و برای جمع آوری داده ها، از مصاحبه انفرادی استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق، دانشجویان کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی آموزشی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، ورودی سال های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۲ به تعداد ۳۹ نفر بوده و روش سرشماری به کار رفته است. و در تحلیل یافته ها به دلیل ماهیت کیفی بودن پژوهش روش تحلیل محتوا و روش استقرایی به کار رفته است. یافته های این پژوهش نشان می دهد، که کیفیت برنامه درسی دوره کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی آموزشی با توجه به ملاک های مورد بررسی مانند(اهداف و ترکیب محتوا، وضعیت فضا و امکانات کالبدی اجرای برنامه درسی، میزان آزادی عمل دانشجویان در اجرای برنامه درسی، ویژگی های حرفه ای اعضای هیئت علمی، زمان در نظر گرفته شده جهت اجرای برنامه درسی و نحوه ارزیابی از آموخته های دانشجویان)، در دانشگاه تهران به استثنای ویژگی های اعضای هیئت علمی که مطلوب ارزیابی شده است، سایر مولفه هایی که ارزیابی شده اند، نسبتا نامطلوب می باشند.

کلمات کلیدی

ارزشیابی آموزشی، کیفیت، برنامه ریزی درسی، رشته برنامه ریزی آموزشی



۱. مقدمه

نظام آموزشی از بزرگترین و گسترده‌ترین سیستم‌های درون هر جامعه است، که سرنوشت آن جامعه را در بلند مدت تعیین می‌کند. در حقیقت باید گفت که خوشبختی یا بدبختی جامعه به آموزش و پرورش آن بستگی دارد [۹]. امروزه در دنیا مدارس و مراکز آموزشی به عنوان مرکز نقل و شکل‌گیری نوآوری، نوآفرینی، کارآفرینی، تعقل، تدبیر و تفکر خلاق، همچنین وظیفه پاسخگویی به نیازهای متغیر و متحول جوامع و مردم را بر عهده دارند [۷].

آموزش عالی در طول دو دهه گذشته با چالش‌ها و مسایل عدیده‌ای مواجه بوده است. رشد فزاینده دانشجویان و متقاضیان ورود به دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی، گسترش کمی نظام آموزش عالی بدون توجه به ظرفیت‌های موجود و توان بافت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه جهت پذیرش خیل عظیم فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، کاهش منابع مالی و فشار از سوی جامعه جهت مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی بیشتر از جمله این چالش‌ها محسوب می‌شود. آموزش عالی بایستی ضمن توجه به این چالش‌ها به حفظ، بهبود و ارتقاء کیفیت با اتکا بر عامل مدیریت و رهبری کارآمد در شرایط تغییر سریع، بی‌ثباتی و دگرگونی در محیط آموزش عالی بپردازد [۵].

در دنیای کنونی نقش سرمایه‌گذاری برای آموزش بطور اعم و در آموزش عالی به طور اخص، به عنوان یک عامل کلیدی در فرایند توسعه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کاملاً محسوس است. دانشگاه‌ها در جوامع از یک سو حافظ و انتقال‌دهنده میراث فرهنگی و ارزش‌های حاکم بر جامعه و از سوی دیگر پاسخگوی نیازهای اجتماعی مردم برای کسب، اشاعه و توسعه دانش و تکنولوژی مطرح می‌باشند. وظیفه نهادی آنها تشخیص و ارائه راه‌حل‌ها برای دشواری‌های اجتماعی است و با توجه به کاهش سرمایه‌گذاری سرانه در آموزش عالی این سوال مطرح می‌شود که آیا دانشگاه قادر است که اهداف و رسالت‌های خود را تحقق بخشد؟ آیا نظام دانشگاهی می‌تواند به توسعه پاسخ گوید؟ با سنجش کیفیت حاکم بر دانشگاه‌ها و استقرار نظام ارزیابی آموزشی می‌توان پاسخگوی سوالات مذکور بود. که پژوهش حاضر در همین راستا به بررسی کیفیت برنامه درسی دوره کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی آموزشی از دیدگاه دانشجویان در دانشگاه تهران می‌پردازد.

۲. بیان مسئله

گسترش، تنوع و خصوصی‌سازی نظام‌های آموزش عالی در سرتاسر دنیا، چه در کشور‌های در حال توسعه و چه کشور‌های توسعه یافته به طور روزافزون با کیفیت آموزش عالی در ارتباط بوده است. علاوه بر این جهانی شدن شدیداً از آموزش عالی متأثر بوده و چالش‌های جدیدی را برای کنترل و اداره آن بوجود آورده است [۱۷].

تغییرات عمده جهانی، نظام‌های آموزش عالی را در سرتاسر جهان به این سو پیش برده که در مقابل نیازهای محلی، علایق ملی و مسایل جهانی پاسخگوتر باشند. در این زمینه نظام آموزش عالی باید پاسخگو بوده و تغییرات سریع در سیاست جهانی را در نظر داشته باشد، بنابراین لازم است برنامه‌های آموزش سنتی، کیفیت و اثربخشی خود را به طور شفاف تر و مشخص تر به نمایش بگذارند [۱۱].

دغدغه کیفیت در آموزش عالی به معنای عام آن قدمتی به درازای خود آموزش عالی دارد. چرا که آموزش عالی بنا بر سرشت آن فعالیتی پیچیده و کیفی است. اما ضرورت نهادینه شدن فرایند اطمینان از کیفیت در آموزش عالی در معنای خاص آن، از نیمه دوم قرن بیستم بویژه از دهه ۸۰، بیش از پیش خود را نشان داده است. دانشگاه‌ها به



منظور به انجام رساندن وظایف خطیر و پویایی و ارتقای خود، نیازمند الگو و ابزار مناسب برای ارزیابی و اطمینان کیفی از روند برنامه‌ها و فرآیندهای مربوط و کارایی و اثربخشی دانش‌آموختگان در بازار مشاغل می‌باشند، از سوی دیگر نظام آموزش عالی کشور، باید با برنامه‌ریزی دقیق در امور آموزش، پژوهش و تربیت نیروی انسانی برای افزایش بهره‌وری و استفاده بهینه از سرمایه‌های موجود در کشور، تلاش نموده و بیش از پیش نوید دهنده شکوفایی و اقتدار علمی و فرهنگی جامعه باشد، دانشگاه برای حفظ پویایی خود نیازمند، برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای و راهبردی، بهبود فرایندها و روشها و کنترل مستمر کیفیت است. انجام و تحقیق هر یک از امور و فرایندهای مذکور همراه و با برنامه‌ریزی دقیق نیازمند اطلاعات واقعی، مرتبط و روزآمد می‌باشد [۲].

از نظر آمارال^۱ (۲۰۰۷) دلایل عقلی حامی ارزیابی کیفیت پیچیده تر از وظایف سنتی بهبود یا پاسخگویی است، که برای این کار پیشنهاد شده است. تعدادی از تغییرات هم چون تبدیل بازار به ابزاری برای سیاست گذاری دولت، تاثیر نظریه های جدید مدیریت دولتی، جهانی شدن، تراکم دانشگاه‌ها و کاهش منزلت آن‌ها، افزایش نفوذ مؤسسات فراملی در آموزش عالی، از جمله دلایل حامی فعالیت های ارزیابی کیفیت می باشد. ضرورت توجه به برنامه های درسی در دانشگاه ها منجر شد، تا یکی از رشته های دانشگاهی از زوایا و ابعاد متفاوت مورد بررسی قرار گیرد و برای این منظور رشته برنامه ریزی آموزشی که ضرورت توسعه کیفی آن در حال حاضر بیش از هر زمان دیگری احساس می شود انتخاب گردید اکنون سؤال این است: کیفیت برنامه درسی دوره کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی آموزشی از دیدگاه دانشجویان در دانشگاه تهران چگونه است؟

۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

فعالیت‌های آموزشی هر کشور را می‌توان سرمایه‌گذاری یک نسل برای نسل دیگر دانست. هدف اصلی این سرمایه‌گذاری توسعه انسانی است. به عبارت دیگر هدف فعالیت‌های آموزشی رشد آگاهی و تواناییهای بالقوه انسان است. علاوه بر آن به طور کلی آموزش وسیله‌ای برای شناسایی مسایل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و پی‌بردن به راه‌حل‌های مناسب برای آنهاست. از طرف دیگر نظام آموزش هر کشور از نظر نیروی انسانی و مشاغل ایجاد شده در آن، بالاترین نسبت را در میان سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی دارد، بر این اساس نظام آموزشی را می‌توان یکی از پیچیده‌ترین زیرنظام‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی منظور داشت [۱].

ارزیابی برنامه‌های نظام آموزش عالی مسأله بسیار مهمی است، که به طور منظم و علمی در اکثر رشته‌های دانشگاهی انجام نشده است. بدیهی است که ارزیابی جزء جدا نشدنی هرگونه فعالیت آموزشی اعم از برنامه‌ریزی و اجرا می‌باشد. معهدا بیشتر برنامه‌های درسی تنظیم شده ارزشیابی نشده‌اند حتی تغییر در برخی برنامه‌های درسی بدون ارزیابی مناسب آن برنامه، اکثراً با نظارت یک یا چند نفر از مدرسان و مسؤلان انجام می‌شود.

در دهه اخیر عواملی مانند بحران‌های اقتصادی، رشد سریع جمعیت، تقاضا برای آموزش بیشتر، رابطه بین آموزش و اشتغال و تغییرات سریع تکنولوژی و اطلاع رسانی خصوصاً در سال‌های اخیر بر روی اشتغال و مهارت‌های لازم برای بازار کار اثر گذاشته و موجب گردیده تا برنامه‌ریزی آموزشی مسئولیت گسترده‌ای برای ترسیم وظایف نهادهای آموزشی مانند مدارس، دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزشی تخصصی و مراکز کارآموزی (آموزش‌های رسمی و

1.Amaral



غیررسمی) را برعهده گیرد، لذا لازم است که کوشش‌های برنامه‌ریزی آموزشی متحول شود و ضرورت این تحول در آستانه قرن بیست و یکم بیش از گذشته احساس می‌شود [۴].

مهمترین هدف ارزیابی در آموزش عالی بهبود، تضمین و ارتقای کیفیت دانشگاهی است [۳]. زیرا یک دوره آموزش به هنگام تدوین برنامه درسی ممکن است کاملاً متناسب با نیازهای فردی و اجتماعی بوده باشد، اما با گذشت زمان و تغییرات تکنولوژی بویژه نیازهای متحول بخش‌های اقتصادی و اجتماعی و دگرگونی‌های فرهنگی تناسب خود را از دست داده باشد، از این رو با ارزیابی درباره برنامه درسی می‌توان هماهنگی آن را با نیازها و انتظارات فرد و جامعه مشخص کرد. و از طرفی آنچه بر اهمیت و ضرورت این پژوهش می‌افزاید مسئله و سولاتی که در مورد کیفیت برنامه درسی رشته برنامه ریزی آموزشی برای استفاده کننده کنندگان این برنامه درسی در دانشگاه تهران به وجود آمده و موجب برانگیخته شدن پژوهشگر برای انجام پژوهشی در این راستا بوده است.

۴. پیشینه پژوهشی تحقیق

در پژوهشی که عمرانی (۱۳۹۱)، در خصوص بررسی میزان تناسب برنامه درسی رشته برنامه ریزی آموزشی با مهارت های مورد نیاز برنامه ریزان آموزشی انجام داده است، نشان داد که تناسب برنامه درسی با مهارت های پیش بینی آموزشی، طراحی آموزشی، نیازسنجی آموزشی، تحلیل آموزشی، و جمع آوری آمار و اطلاعات آموزشی در سطح پایین ارزیابی شده، همچنین تناسب برنامه درسی با مهارت های ارزشیابی در سطح متوسط می باشد و تناسب برنامه درسی رشته برنامه ریزی آموزشی با مهارت های برنامه ریزان آموزشی در سطح نامطلوبی می باشد.

ملا محمدی (۱۳۷۹) در پژوهش خود با عنوان « ارزیابی کیفیت برنامه درسی رشته برنامه‌ریزی آموزشی در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه تهران » نتایجی از جمله نامطلوب بودن فرایند تدریس و امکانات آموزشی و عدم هماهنگی مناسب محتوی برنامه با نیازها و علایق فراگیران و عدم هماهنگی لازم بین برنامه درسی و بازار کار را بیان نموده است. همچنین یافته های پژوهش هواس بیگی (۱۳۸۸) در خصوص ارزیابی کیفیت برنامه درسی رشته برنامه ریزی آموزشی در دانشگاه های دولتی شهر تهران، نشان داد که طبق نظر دانشجویان کیفیت برنامه درسی رشته برنامه ریزی آموزشی با توجه شش ملاک مورد ارزیابی در سطح نسبتاً مطلوب است. بر اساس داده های جمع آوری شده ملاک های اهداف و ترکیب محتوا، فضا و امکانات کالبدی اجرای برنامه درسی، ویژگی های حرفه ای اعضای هیئت علمی، زمان در نظر گرفته شده برای اجرای برنامه درسی و ارزیابی از آموخته های دانشجویان در سطح نسبتاً مطلوب است و تنها ملاک آزادی عمل دانشجویان در سطح نامطلوب می باشد. از دیدگاه اعضای هیئت علمی ملاک اهداف و ترکیب محتوا در سطح مطلوب و ملاک های فضا و امکانات کالبدی اجرای برنامه درسی، میزان آزادی عمل دانشجویان در اجرای برنامه درسی، ویژگی های حرفه ای اعضای هیئت علمی، زمان در نظر گرفته شده برای اجرای برنامه درسی و ارزیابی از آموخته ها نیز در سطح نسبتاً مطلوب می باشد.

ممت ون^۲ (۱۹۹۳)، در بررسی خود تحت عنوان «برنامه‌ریزی استراتژیک و برنامه‌ریزی درسی» بر اتصال برنامه‌ریزی درسی در مؤسسات آموزش عالی مالزی و شناسایی نقاط قوت و ضعف آن تمرکز کرده است. او با استفاده از روش مطالعه موردی کیفی با به کارگیری ابزارهای مشاهده، مصاحبه و تحلیل اسناد و استفاده از نظریات استادان و

2. Mamat wan



کارفرمایان به جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز پرداخته است. اطلاعات به دست آمده نیازهایی از قبیل تغییر در رویکردهای برنامه‌ریزی، ارائه طرح‌ها یا برنامه‌های منطبق و مناسب با جهت‌گیری‌های جامعه و تغییرات محیطی، ارزشیابی‌های مداوم از راهبرد های برنامه و ارائه برنامه‌های درسی مطابق شرایط جدید و نوآوری‌ها، آموزش و کارآموزی کارکنان و ایجاد زمینه برای مشارکت افراد ذی‌ربط در فرایند برنامه‌ریزی را نمایان می‌سازد، که در واقع مبنا و پایه برنامه‌ریزی استراتژیک در برنامه‌ریزی درسی می‌باشد.

کجلگرن^۳ (۲۰۰۵) در پژوهشی تحت عنوان ارزیابی برنامه‌های دکترای پرستاری هدفش ارزیابی برنامه‌ها در داخل آموزش عالی به طور کلی و ارائه رویکرد هایی برای ارزیابی برنامه‌های دکترای پرستاری بود. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که در ساختار های برنامه دکترای پرستاری بایستی به برنامه درسی توجه شود و همچنین توجه به تغییرات در زمینه محتوا و زمان را ممکن می‌ساخت، ضروری‌ترین محتوای برنامه درسی اصلی مشخص کردن تئوری پرستاری، تئوری توسعه و مفهوم فرموله کردن و تحلیل کمی است، صلاحیت دانشکده‌ها با تجربه، تحقیقات فعال، درگیری دانشجویان در رشته‌ها و تحقیقات ارتباط دارد، برنامه‌های دکترای به ندرت بر روی توسعه سلامتی، کهنوت شناسی و سلامت جامعه تمرکز دارند و کمتر از نیمی از این برنامه‌ها شامل روش‌های کیفی است.

۵. سوالات پژوهش

- اهداف و ترکیب محتوا در برنامه درسی دوره کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی آموزشی از دیدگاه دانشجویان چگونه است؟
- وضعیت فضا و امکانات اجرای برنامه درسی دوره کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی آموزشی از دیدگاه دانشجویان چگونه است؟
- وضعیت میزان آزادی عمل دانشجویان در اجرای برنامه درسی دوره کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی آموزشی از دیدگاه دانشجویان چگونه است؟
- ویژگی‌های حرفه‌ای اعضای هیئت علمی دوره کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی تا چه اندازه مطلوب است؟
- زمان در نظر گرفته شده جهت اجرای برنامه درسی دوره کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی آموزشی تا چه اندازه مطلوب است؟
- شیوه‌های ارزیابی از آموخته‌های دانشجویان در برنامه درسی دوره کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی آموزشی تا چه اندازه مطلوب است؟

۶. روش تحقیق، جامعه و نمونه پژوهش

پژوهش حاضر به دلیل ماهیت آن از نوع پژوهش‌های کیفی می‌باشد و ابزار پژوهش مصاحبه انفرادی با کلیه اعضای نمونه بوده است. جامعه پژوهش شامل کلیه دانشجویان دوره کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی آموزشی در سه دوره متوالی ورودی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۲ که تعداد آنها در سه دوره ۳۹ نفر بوده می‌باشد. با توجه به در

3.kjellgren



دسترس بودن و همچنین محدود بودن حجم جامعه مورد مطالعه، نمونه مورد نظر پژوهش برابر جامعه بوده و از روش سرشماری کامل استفاده شده است. پژوهشگر در تحلیل داده‌ها، به دلیل این که پژوهش از نوع کیفی بوده ابتدا یافته‌ها را طبقه بندی و مفاهیم اصلی را استخراج و سپس با روش تحلیل محتوا و روش استقرایی به نتیجه گیری پرداخته است.

۷. یافته‌های پژوهش

- از نظر اهداف و ترکیب محتوا، در برنامه درسی دوره کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی آموزشی، مهمترین و جامع ترین بحثی که همه ی دانشجویان به آن اشاره کرده اند، محدود بودن منابع این رشته و عدم تطابق و همخوانی بین اهداف ومحتوای برنامه درسی رشته برنامه ریزی آموزشی می باشد، و اینکه اهداف و ترکیب محتوا تا حدود زیادی قدیمی بوده و نیاز به باز بینی و تجدید نظر دارند. انتزاعی بودن بیش از حد اهداف و عدم هبستگی بین اهداف، تکراری بودن برخی از واحد های درسی با دروس دوره کارشناسی و پایین بودن تعداد واحد های تخصصی مربوط به واحد درسی برنامه ریزی آموزشی در این رشته از دیگر مهمترین یافته هایی بوده است، که درخصوص این سوال همه افراد به اشاره کرده اند.
- در خصوص وضعیت فضا وامکانات اکثر بیشتر پاسخ دهندگان معتقدند، که فضا و امکانات موجود جهت اجرای برنامه درسی بسیار ابتدایی بوده و به شیوه های مرسوم در گذشته می باشد. و همچنین پاسخ دهندگان میزان استفاده از تجهیزات و تکنولوژی های پیشرفته توسط اساتید در اجرای برنامه را نسبتاً نامطلوب ارزیابی کرده اند. محدودیت دسترسی به پایان نامه ها و محدود بودن تجهیزات و تکنولوژی های پیشرفته در سایت دانشکده نیز از جمله ارزیابی هایی بوده است که دانشجویان به آن اشاره کرده اند.
- در خصوص وضعیت میزان آزادی عمل دانشجویان در اجرای برنامه درسی، دانشجویان ابتدا به این نکته مهم اشاره کرده اند، که نظام آموزشی ما یک نظام آموزشی متمرکز می باشد، و به همین دلیل گروه آموزشی مربوطه در اجرای برنامه درسی به صورت متمرکز عمل می کند و نظرات دانشجویان را مشارکت نمی دهد و از طرفی دیگر اساتید هم در اجرای برنامه درسی در کلاس هیچ گونه آزادی و حق انتخابی به دانشجویان نمی دهند و اصولاً نظرات خودشان را بر نظرات دانشجویان ترجیح می دهند و به طور کلی آزادی بسیار کمی برای دانشجویان در اجرای برنامه درسی وجود دارد و به نسبت بسیار کمی هم اساتید در اجرای برنامه درسی با دانشجویان در کلاس درس مشارکت دارند.
- در رابطه با میزان مطلوبیت ویژگی های حرفه ای اعضای هیئت علمی دوره کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی آموزشی همه ی مصاحبه شوندگان معتقد بوده اند، که اعضای هیئت علمی این رشته در دانشگاه تهران هم از نظر مرتبه ی علمی و هم از نظر رسیدگی به مسائل مختلف و علمی مربوط به دانشجویان مطلوب می باشند.
- در خصوص میزان مطلوب بودن زمان در نظر گرفته شده، جهت اجرای برنامه درسی دوره کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی آموزشی دانشجویان به طور کلی معتقد بوده اند که، دوره کارشناسی ارشد دوره ای است که دانشجویان علاقه مند هستند که به فعالیت های پژوهشی بپردازند، اما با توجه به تعداد زیاد واحد های نظری در برنامه این رشته و مناسب نبودن مدیریت زمان بندی اجرای برنامه درسی، زمان کافی برای دانشجویان جهت پرداختن به فعالیت های پژوهشی وجود ندارد و از این نظر زمان در نظر گرفته شده برای اجرای برنامه درسی نسبتاً نامطلوب می باشد.



- تمامی دانشجویان مورد مطالعه در پاسخ به سوال مربوط به مطلوبیت شیوه های ارزیابی از آموخته های دانشجویان به طور کلی بیان کرده اند که، شیوه ارزیابی از آموخته های دانشجویان، به همان سبک های سنتی و تکیه بر محفوظات و امتحان پایان ترم و نمره پایان ترم در ارزیابی از آموخته های دانشجویان بوده است. و به این دلیل ارزیابی از آموخته های دانشجویان را نسبتاً نامطلوب ارزیابی کرده اند. دانشجویان معتقد بودند که اساتید، در ارزیابی از آموخته های دانشجویان باید، توجه جدی به فعالیت های پژوهشی و توانمندی های آنها داشته باشند، نه اینکه اصل را بر محفوظات دانشجویان قرار دهند.

۸. بحث و نتیجه گیری

با توجه به یافته های به دست آمده از پژوهش، اهداف و ترکیب محتوا، در برنامه درسی دوره کارشناسی ارشد به دلایلی از جمله، عدم تطابق و همپوشانی اهداف و محتوا، انتزاعی بودن بیش از حد، تکراری بودن واحد ها با واحدهای دوره کارشناسی نسبتاً نامطلوب می باشد. و همچنین وضعیت فضا و امکانات اجرای برنامه درسی به دلایل، پیشرفته نبودن، ناکافی بودن و پیشرفته نبودن، تجهیزات کلاسی و سایت دانشکده، پایین بودن سرعت اینترنت و... از دیدگاه دانشجویان نسبتاً نامطلوب ارزیابی شده است. در خصوص آزادی عمل دانشجویان در اجرای برنامه درسی همان گونه که یافته ها نشان داده اند، به دلایلی از عدم مشارکت و دخالت دانشجویان و عدم وجود آزادی عمل دانشجویان نسبتاً نامطلوب می باشد. اما تنها گزینه ای که از نظر دانشجویان مطلوب ارزیابی شده است، ویژگی های حرفه ای، شایستگی ها و توانمندی های اعضای هیئت علمی می باشد. دانشجویان همچنین زمان در نظر گرفته شده جهت اجرای برنامه درسی را، به دلایلی از جمله تعداد زیاد واحد های نظری در برنامه درسی و بی توجهی به کار پژوهشی و زمانبندی نامناسب اجرای واحد های درسی نظری برنامه، از نظر دانشجویان با توجه به یافته های به دست آمد تاحدودی نامطلوب ارزیابی شده است و در خصوص شیوه های ارزیابی از آموخته ها، دانشجویان معتقد بوده اند که به دلایل، سنتی بودن و تاکید بر محفوظات دانشجو و توجه به نمره پایانی در ارزیابی از آموخته های دانشجویان و عدم توجه کافی به کار پژوهشی و تحقیقی نسبتاً نامطلوب ارزیابی شده است.

۹. راه حل های پیشنهادی

راه حل های پیشنهادی برای مدیران دانشگاه ها، موسسات آموزش عالی و برنامه ریزان درسی در سراسر کشور و به ویژه برای گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی دانشگاه تهران جهت بهبود، بازنگری و افزایش کیفیت برنامه درسی رشته برنامه ریزی آموزشی.

- پیشنهاد می شود، در رابطه با بازنگری و بهبود کیفیت برنامه درسی رشته برنامه ریزی آموزشی تدابیری در نظر گرفته شود، به گونه ای که اهداف از حالت کلی و انتزاعی تا حدودی به سمت هدف های رفتاری تغییر یابند. همچنین بعضی از واحد های درسی در حد امکان جایگزین شوند و محتوایی را در نظر بگیرند، که بتوانند اهداف را پوشش دهند.
- پیشنهاد می شود، نسبت به کیفیت و کمیت و پیشرفته بودن فضا، تجهیزات و امکانات مربوط به اجرای برنامه درسی در صورت امکان اقداماتی صورت گیرد.
- پیشنهاد می شود، با توجه به اینکه امروزه در نظام های آموزشی دنیا به بحث مشارکت همه جانبه در تعلیم و تربیت تاکید می شود، باید در برنامه ریزی های مربوط به برنامه درسی و اجرای آن، به



ویژه در سطح آموزش عالی به این مهم توجه شود، زیرا در اجرای موفق برنامه‌ها بسیار موثر می‌باشد.

- پیشنهاد می‌شود، زمان بندی اجرای برنامه درسی را به گونه‌ای انجام دهند، که دانشجویان زمان بیشتری را در اختیار داشته باشند تا بیشتر به کارهای پژوهشی و تحقیقی بپردازند و فقط زمان خود را صرف گذراندن واحدهای نظری نکنند.
- پیشنهاد می‌شود، که بر روش‌های جدید ارزشیابی از آموخته‌ها و توانمندی‌های دانشجویان مانند (پژوهش و تحقیق و ابداعات علمی جدید)، تاکید کنند و روش‌های سنتی (امتحان پایان ترم و نمره پایانی) را تا حدود تقلیل دهند.

۱۰. منابع و مراجع

- [1] بازرگان، عباس؛ مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری، چاپ سوم، نشر دیدار، تهران، ۱۳۹۱، صفحه ۴۷
- [2] بازرگان، عباس؛ ارزشیابی آموزشی: مفاهیم، الگوها و فرایندهای عملیاتی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۸، صفحات ۲۲-۲۷
- [۳] بازرگان، عباس؛ کیفیت و ارزیابی آن در آموزش عالی: نگاهی به تجربه‌های ملی و بین‌المللی. مجموعه مقالات نخستین سمینار آموزش عالی در ایران، به کوشش محمد خلیجی و محمد مهدی فرقانی، جلد ۲، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۷۶، صفحه ۱۱-۲۱
- [۴] راجر کافمن و جری هرمن؛ برنامه‌ریزی استراتژیک در نظام آموزشی، ترجمه عباس بازرگان و فریده مشایخ، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۷۴، صفحات ۳۳-۴۹
- [۵] رمزدن، پال؛ یادگیری رهبری در آموزش عالی. ترجمه عبدالرحیم نوه ابراهیم و همکاران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۹۹۷، صفحه ۵۱
- [۶] عمرانی، میثم؛ بررسی میزان تناسب برنامه درسی رشته برنامه‌ریزی آموزشی با مهارت‌های مورد نیاز برنامه‌ریزان آموزشی از دیدگاه کارشناسان برنامه‌ریزی آموزشی حوزه ستادی وزارت آموزش و پرورش و سازمان آموزش و پرورش شهر تهران، کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۹۱، صفحه ۱
- [۷] کوی، لوتای؛ آموزش و پرورش: فرهنگها و جوامع. ترجمه محمد یمنی، نشر دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۸، صفحه ۷۰
- [۸] ملا محمدی، آمنه؛ ارزیابی کیفیت برنامه درسی رشته برنامه‌ریزی آموزشی، کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹، صفحه ۱
- [۹] میرکمالی، سیدمحمد؛ فلسفه ارزشیابی در مدیریت؛ فصل‌نامه مدیریت در آموزش و پرورش، سال سوم، شماره ۴، ۱۳۷۸، صفحات ۱۲-۶
- [۱۰] هواس بیگی، فاطمه؛ ارزیابی کیفیت برنامه درسی دوره کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی آموزشی از نظر اعضای هیئت علمی و دانشجویان در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران، کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۸۸، صفحه ۱
- [11] El- khawas , E. Accountability and quality assurance: new issues for academic inquiry in forest , j.i. & altbach , p.g.(eds),international handbook of higher education (amsterdam , spring), (2006). pp,781-792.



- [12] Kjellgren, k . welin c. Evaluation of doctoral nursing program-a review and strategy for follow up, institute of nursing, faculty and caring science, the salgrenska Academy at Goteborg university , box 457, 40530 goteborg ,Sweden, (2005). pp,99-115.
- [13] Mamet Wan .Strategic program planning and curriculum development :A human resource development model for koley agama sultan zainal abiding , northern Illinois university, (1993). Pp,817-830.
- [14] Mccourt, ch & Thomas, g. Evaluation of a problem- based curriculum in midwifery, midwifery (2007). Pp,17,323-331.
- [15] Newton , J. What is quality ? quality in higher education . vol. 29, NO.2 , (2007). pp , 163-179.
- [16] O'driscoll, m & .smith, p. Evaluation of a part-time adult diploma nursing. programme-tailor made provision? nurse, (2009). pp,43-69.
- [17] Prince , M & Stella , A. External quality assurance in higher education :making choices : paris : unesco- IIEP, (2007). pp,401-423.